

کارکردهای دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امینه^۱

چکیده

شیعیان در عصر غیبت، وظایف بسیاری برای یاری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر عهده دارند. یکی از این وظایف مهم، دعا کردن برای وجود مبارک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. توجه به آیات و روایات، بیانگر برکات دعا در زندگی فردی و اجتماعی است. اگر دعا در حق موجودی کامل باشد، آثار آن نیز به مراتب تکامل می‌یابد. این مقاله، با هدف آشنایی شیعیان با آثار و برکات دعا و با استفاده از منابع کلامی و روایی، آثار دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بررسی می‌کند. نتایج حاصل از این پژوهش، کارکردهای دعا برای امام را افزایش نعمت، انجام محبوب‌ترین عبادت و رستگاری در روز قیامت با شفاعت توسط حضرت می‌داند.

واژگان کلیدی: فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتظار فرج، افزایش نعمت، شکر،

کارکرد دعا

۱. مقدمه

دعا، صمیمی‌ترین شیوه ارتباط بندگان با خداوند است که از رهگذر آن، هر کس به فراخور جهان وجود خود، با ساحت قدس ربوبی راز و نیاز می‌کند. دعا، یعنی مایل ساختن چیزی به سوی خود با صدا و کلام، اما در اصطلاح به معنای درخواست انجام کاری از مدعو است که به صورت جمله امر یا نهی و گاه به صورت جمله خبری است.

تاریخ دعا را می‌توان همزمان با پیدایش انسان دانست؛ زیرا انسان هرگز از نیازمندی‌ها جدا نبوده و در درون و بیرون خود این احساس را داشته که باید در پناه قدرتی آرام بگیرد. کاوش‌ها نشان می‌دهد که در دورترین زمان‌ها، معبد و مسجد، جزء واقعیت‌های جدایی‌ناپذیر زندگی بشر بوده‌اند،

۱. دانش پژوه کارشناسی کلام اسلامی از کشور اندونزی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی عجل الله تعالی فرجه الشریف العالمیه، قم، ایران.

حتی زمانی که بشر توان تصور یک مبدأ نامتناهی و قدرت مطلق را نداشته و به اشتباه به بت‌ها پناه می‌برده و از آنها یاری می‌جسته و زندگی پرماجرای خود را با امیدواری به مبدأ ناشناخته چیره بر همه قدرت‌ها همراه می‌کرده است.

یکی از مصادیق ذکر به زبان، دعا برای صاحب نعمت است. هر فردی مکلف است که ولی نعمت خود را در میان جمع و یا در خلوت تنهایی دعا کند. هر کدام از این دو صورت، برکات و فوایدی دارد که نباید آنها را از دست داد. بنابراین، باید برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که ولی نعمت و واسطه هر خیری برای انسان است، در پیشگاه الهی دعا کرد. هر چند انسان خود را مدیون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌داند و عاجز از ادای شکر ایشان است، ولی می‌تواند در ارتباطی که بین خود و خدایش دارد، خالصانه برای او دعا کند. تاکنون مقالات زیادی در مورد فواید دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده، ولی مقاله حاضر، مفصل‌تر و دقیق‌تر، کارکرد دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بررسی می‌کند.

۲. حقیقت دعا

دعا از ریشه د-ع-و و به معنای مایل ساختن چیزی به سوی خود با صدا و کلام است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۷۹/۲) در اصطلاح به معنای درخواست انجام کاری از مدعو است که به صورت جمله امر یا نهی و گاه به صورت جمله خبری، مانند «غفرالله لک» می‌آید. (طوسی، بی‌تا، ۴/۴۲۴) دعا، وسیله‌ای برای انسان و برای تقرب به پیشگاه معبودش است و با آن زندگی می‌کند. انسان بدون دعا، صفا و روشنایی را در حیاتش احساس نمی‌کند. بنابراین، برای اظهار بندگی به پروردگارش و ارتباط با محور جهان، دعا را به صورت دائم و مطلوب انتخاب می‌کند. (ملکی، ۱۳۹۲، ص ۲۰) دعای انسان، گاهی برای خود و در بسیاری از موارد نیز برای محبوبان خود است. چون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف محبوب‌ترین موجود برای شیعیان است، یکی از اعمال مهم آنها، دعا در حق آن حضرت است.

۳. کارکردهای دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱-۳. فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان او

دعا و نیایش، در فرهنگ اسلام جایگاه والایی دارد. دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یک وظیفه و تکلیف در عصر غیبت است که کارکرد بسیاری در پی دارد. یکی از کارکردهای دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تعجیل فرج است. تعجیل فرج در دو بحث مطرح می‌شود.

۱-۱-۳. فرج حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف

فرج در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنی نصرت، پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت کفر و شرک و بی‌داد است. بنابراین، انتظار فرج، یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. پس منتظر حقیقی کسی است که به حقیقت، خواهان تشکیل چنین حکومتی است. (جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸، ص ۳۳) یکی از آموزه‌های مهم مذهب تشیع بداء است. بداء، یعنی آشکارشدن امری از ناحیه خداوند بر خلاف آنچه ظاهر بوده است. در واقع اولی را محو و دومی را اثبات کرده و خداوند به هر دو حادثه آگاه است. زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اموری است که بداء در آن راه دار (الهی نژاد، ۱۳۹۶، ص ۶). مؤید این مطلب آیه شریفه است که خداوند می‌فرماید: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ؛ خدا هر چه را بخواهد محو می‌کند و هر چه را بخواهد ثابت و پایرجا می‌نماید و ام‌الکتاب نزد اوست» (رعد: ۳۹). زمان فرج و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جز نشانه‌های حتمی ظهور، بقیه آنها بنا بر مشیت و اراده الهی ممکن است دچار تغییر و تبدیل و تقدم و تأخر شوند. (تونه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲) با وضعیت عموم مردم و آمادگی آنان زمان ظهور حضرت جلو افتاده و با فراموش و غفلت آنان، به تأخیر می‌افتد (نعمتی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۱). بنابراین، وقتی فردی دل‌باخته امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، نزدیک شدن وقت دیدار و ظهور آن حضرت را ممکن می‌داند و با کوشش و اهتمام در دعا کردن، این مقصود را محقق می‌کند (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۳).

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام به این معنی اشاره فرموده است: «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ؛ برای شتاب درگشایش حقیقی و کامل، بسیار دعا کنید؛ زیرا، همانا، فرج شما در آن است.» (مجلسی، ۱۴۰۷، ۵۲/۹۲)

اگر شیعیان به دستور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام عمل می‌کردند و در همه مجامع، محافل، اجتماعات و نشست‌ها یاد آن حضرت و ظهورش را زنده می‌داشتند، اکنون شاهد ادامه زمان غیبت نبودند. با دعا کردن مردم، فرج امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام به سرعت فرا می‌رسد. دعا، بدون درخواست قلبی و زمینه‌سازی برای تحقق آن، مؤثر نیست. انسان باید با زبان قلب، بطلبد و در عمل هم زمینه‌ساز خواسته امام خود باشد. در توقیع شریف حضرت به شیخ مفید آمده است: «چنانچه شیعیان ما از صمیم قلب، در وفای به عهدشان اجتماع می‌کردند، نه تنها سعادت لقاء ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، بلکه سعادت مشاهده ما با شتاب بدیشان می‌رسید و اینها همه در پرتو شناخت کامل ما و صداقت محض نسبت به ماست» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۲/۴۹۹).

بر این اساس، آنچه به تعجیل یا تأخیر سعادت ظهور و لقاء آن حضرت می‌انجامد، بود یا نبود اجتماع قلبی مردم است که بر معرفت و صداقت ایشان مبتنی است. (صالح‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴) همچنین، خواستن و دعای دسته‌جمعی همه جوامع بشری، می‌تواند به گونه‌ای تحرک و تحول اجتماعی بیافریند که به دنبال آن، خداوند متعال، تغییر و تحول در احوال جامعه به وجود آورد. چنان‌که بر اساس سنت تخلف‌ناپذیر الهی آمده است: «...إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...؛ یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را (به سوی بلا، نکبت و شکست و شقاوت) تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان آنچه را (از صفات خوب و رفتار شایسته و پسندیده) در وجودشان قرار دارد به زشتی‌ها و گناه... تغییر دهند» (رعد: ۱۱).

در مورد لزوم دعا برای تعجیل فرج و نقش دعا در زودتر فرا رسیدن ظهور، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «وقتی عذاب و سختی بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل روز به درگاه خدا گریه و ناله کردند. خداوند متعال به موسی و هارون عَلَيْهِمَا السَّلَام وحی فرمود که آنها را از دست فرعون نجات دهند. این

درحالی بود که از ۴۰۰ سال، ۱۷۰ سال باقی مانده بود. خداوند به دعای بنی اسرائیل، از آن ۱۷۰ سال صرف نظر کرد».

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر شما شیعیان نیز چنین تضرع و زاری کنید و فرج ما را بخواهید، خداوند فرج ما را می‌رساند، ولی اگر دست روی دست بگذارید و بی‌اعتنا بمانید، وقتی کار به نهایت رسید، گشایش فرا می‌رسد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۱۳۱) سید محمد تقی موسوی اصفهانی با استناد به این حدیث می‌گوید: «آنچه از روایات به دست می‌آید این است که وقت ظهور امام زمان علیه السلام از امور بدائیه است که امکان پیش و پس افتادنش هست» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۰).

۳-۲- فرج شیعیان

فرج در مورد شیعیان، یعنی گشایش شیعیان از تمام گرفتاری‌ها و فتنه‌ها. بعضی نظرها بر این است که گشایش فقط در ظهور امام مهدی علیه السلام محقق می‌شود و تا زمانی که حضرت علیه السلام در غیبت است، شیعیان تحت فشار ظلم و تعدی حاکمان ظلم و جور هستند. (رضوانی (الف)، ۱۳۸۸، ص ۳۱) در توقیع شریفی که از آن حضرت روایت شده چنین آمده است: «برای شتاب در گشایش حقیقی و کامل، بسیار دعا کنید؛ زیرا همانا فرج شما در آن است» (مجلسی، ۱۴۰۷، ۵۲/۹۲). این نشان می‌دهد که خواسته‌های منتظران، در سایه دعا برای فرج قابل دسترسی است. اشاره به جمله «آن فرج شماست»، چند احتمال را به دنبال دارد که در ادامه بیان می‌شود:

الف) احتمال اول این است که مقصود از آن، همین دعا برای تعجیل فرج باشد، یعنی با دعا کردن برای تعجیل فرج و ظهور من، فرج شما حاصل می‌شود و بدین وسیله در کار مردم گشایش می‌آورند و مشکلات آنها حل می‌شود.

ب) منظور، بیان اثر بسیار دعا کردن است، یعنی با بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج و ظهور من، فرج شما حاصل می‌شود. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۰)

در تأیید این دو احتمال، مضمون روایتی است که در اصول کافی به سند خود از ابی جعفر باقر علیه السلام آورده که فرمودند: «نزدیکترین دعایی که زود به اجابت برسد، دعای برادر دینی برای

خویش در غیاب اوست. اینکه با دعا برای برادرش آغاز کند، پس فرشته‌ای که موکل بر اوست بگوید آمین و برای تو دو چندان آن باشد». (کلینی، ۱۴۲۹، ۴/۳۸۶) وقتی که دعای مؤمن برای برادر مؤمن این آثار را دارد، پس دعا کردن برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که رئیس مؤمنین است به بهترین شکل مستجاب خواهد شد (حجتی ابردهی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۱). معنای حاصل شدن فرج برای دعاکننده این است که دعاکننده به برکت این دعا، به آرزوهای دنیایی و حوائج و خواسته‌های مختلفی که در راه آنها تلاش می‌کند، خواهد رسید؛ زیرا این دعا، وسیله هرگونه خیر و صلاح است (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۰).

خداوند متعال صبر و استقامت در محنت‌ها و سختی‌ها را به او عنایت فرماید و در نرسیدن به مقصود به او تحمل و خویشتن‌داری دهد و دشواری‌ها را بر او آسان گرداند، همچنان که آهن را برای داوود علیه السلام نرم کرد (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۱). با دعا کردن، روح امید در انسان زنده می‌ماند. امیدداشتن، موجب گشایش است؛ زیرا ناامیدی باعث به بن بست رسیدن است. انسان با تکیه به دعا برای ظهور، امنیت ایمان، رشد اندیشه، آرامش روحی، کمالات معنوی و بهره‌های بی‌پایان دوران پس از ظهور را می‌تواند با عنایت الهی در دوره غیبت کسب کند. این امر با توجه به قدرت و مشیت خداوند قابل انکار نیست؛ زیرا او خود فرمود: «قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ...؛ بگو اگر دعایتان نباشد پروردگارم به شما ارجی نهد...» (فرقان: ۷۷).

با توجه به دلالت این آیه شریفه می‌توان گفت که عنایت و رحمت و فضل خداوند که نامحدود و بی‌انتهاست، به مدد دعا و خواستن از او دست‌یافتنی است، اگرچه دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. (داوودی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳) بر این اساس، عامل پایان‌دهنده به دوران تلخ غیبت، بیداری از خواب غفلت و احساس نیاز واقعی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انسان، با دعا و تشکیل مجالس دعا، به آمادگی و ظرفیت‌هایی می‌رسد که بتواند مستعد پذیرش توجهات و عنایات خداوند شود. پس دعا و انتظار فرج با یکدیگر ارتباط هماهنگ می‌یابند و خواستن، آماده‌سازی و توانمندی شکل می‌گیرد.

وقتی که شیعیان با اضطراب به درگاه خدا رو می‌کنند، دو چیز در آنان شکل می‌گیرد. یکی دعا و انتظار، یعنی فرج خواستن و دیگری آمادگی، قابلیت و توانمندی. در این صورت، بارش عنایت و توجهات او آغاز شده و درمان کامل همه دردهای دنیایی با فرج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایجاد می‌شود. پس دعا برای تعجیل فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت دعا برای خود شیعیان بوده و برای آنها سودمند است.

۳-۲. افزایش نعمت

انسان برای پیشرفت زندگی مادی و معنوی خود تلاش می‌کند و دوست دارد زندگی راحت و همراه با آرامش برای خود و خانواده‌اش فراهم کند. به عبارت دیگر، دوست دارد رزق و روزی او زیاد باشد و هر روز شاهد برکت‌های زیادی در زندگی خود باشد. در کنار عواملی مانند تلاش و کوشش، راه‌های دیگری برای افزایش رزق و روزی بیان شده که از جمله آنها، دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. توضیح و تحلیل نقش دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در افزایش نعمت به مقدماتی نیاز دارد. ارزشمندترین نعمت‌ها آن است که مایه رستگاری بوده و با شناختن معارف ربانی و علوم سودمند و رسیدن به درجات والا و نعمت‌های جاودانه اخروی باشد. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۲) از جمله نعمت‌های باطنی و ارزشمندی که خداوند به انسان داده، نعمت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۳-۲-۱. نعمت بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از جهت تکوینی

خداوند، نظام دنیا را به گونه‌ای قرار داده است که بدون وجود امام، امکان زندگی روی زمین وجود ندارد؛ زیرا زمین به برکت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار و آرامش پیدا کرده است. شاهد این مطلب روایتی از امام باقر علیه السلام است که می‌فرمایند: «جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا؛ خدا ایشان را ارکان زمین قرار داده تا اهلس را به اضطراب و تزلزل در نیاورد (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۸۳/۱). امید، یعنی به نوسان و لرزش درمی‌آید و به حرکت کردن زمین در هنگام زلزله گفته می‌شود. در زمان زلزله، زمین قابل سکونت نیست، یعنی اهلس نمی‌تواند روی آن آرامش پیدا کنند و دیگر، زمین نمی‌تواند مسکن یا محل سکونت باشد. پس اگر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نباشد، زمین قرار و آرامش نخواهد داشت. خداوند به وسیله امام عجل الله تعالی فرجه الشریف زمین را مستقر ساخته تا در آن آرامش برقرار شود. ارزش این نعمت، امکان

سکونت در شرایط زلزله آشکار می‌شود. وقتی که در منطقه‌ای زلزله می‌آید، زندگی همه ساکنان آن مختل می‌شود. اینکه هم اکنون زمین مثل گهواره زیر پای انسان‌ها قرار گرفته، به برکت وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و گرنه زمین مسکونی نبود (بنی هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۶۴).

بالتر از این، آسمان هم به برکت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نگه داشته شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی که امامان را معرفی فرمودند، تصریح کرده‌اند: «خدا به وسیله ایشان، آسمان را از اینکه بدون اجازه او بر زمین افتاد، نگه می‌دارد و به وسیله ایشان، زمین را حفظ می‌کند که اهل خود را به تزلزل در نیاورد». (مجلسی، ۱۴۰۷، ۱۲۰/۲۷) علاوه بر اینکه نظام آسمان و زمین به برکت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف باقی است، بقیه اموری که برای حیات انسان ضرورت دارد نیز متوقف بر وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بنابراین، بهره‌بردن از هر یک از نعمت‌های الهی، به نعمت وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بستگی دارد. به واسطه وجود مقدس ایشان، همه موجودات زنده، می‌توانند زنده بمانند (بنی هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹). نه تنها امام عجل الله تعالی فرجه الشریف مالک زمین و محصولات آن است، بلکه همه دنیا و آخرت برای ایشان است. به همین دلیل، ثواب و عقاب اخروی مطابق خواست و اراده ایشان، همان اراده خدای متعال است و خداوند، فضل و رحمت خود را به دست ایشان سپرده است (نوری، ۱۳۸۷).

در جنبه تکوینی نعمت وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، شخص به هر حال از نعمت آب و هوا، زمین و میوه و ... استفاده می‌کند. شناخت یا عدم شناخت ولی نعمت، تأثیری در اصل استفاده او ندارد، هرچند که جایز بودن استفاده، به معرفت داشتن یا نداشتن او مربوط است. به تعبیر دیگر، حلال یا حرام بودن استفاده از نعمت‌های الهی، به شناخت یا عدم شناخت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بستگی دارد.

۲-۲-۳. نعمت بودن امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از جهت تشریحی

بر خلاف جنبه تکوینی نعمت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، بهره‌مندی از جنبه تشریحی نعمت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف متوقف بر معرفت داشتن به ایشان است. برخورد انسان با این نعمت، در نعمت بودن آن مؤثر است، یعنی اگر به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رجوع کند، ولایت او را بپذیرد و معرفت او را به دل بگیرد و در برابر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیم باشد و خود را در معرض نعمت وجود او قرار دهد، جنبه تشریحی را درک کرده‌اند و گرنه

امام عَلَيْهِ السَّلَام از این طریق برای او نعمت نخواهد بود. برای توضیح بیشتر مطلب، مقدماتی بیان می‌شود.

اول) هدف از نزول نعمت

همان هدفی که خداوند در خلقت بندگان قرار داده، در انعام به ایشان نیز مطرح است. پس هدف از اعطای نعمت به مخلوقات را می‌توان در این آیه شریفه جست‌وجو کرد: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انسان‌ها را جز برای اینکه مرا بپرستند، نیافریدیم» (ذاریات: ۵۶). اگر انسان در مسیر بندگی خدا گام بردارد، به آن هدفی که خدا برایش قرار داده، می‌رسد، در غیر این صورت به بیراهه خواهد رفت. نخستین و اساسی‌ترین گام در بندگی خدا، معرفت اوست. بنابراین، هدف خدا از نعمت‌هایی که در اختیار بندگان قرار داده، این است که با آنها، معرفت بیشتری نسبت به منعم خویش پیدا کند.

دوم) معرفت امام عَلَيْهِ السَّلَام تنها راه معرفت خداوند

اگر کسی بخواهد راه صحیح و کامل بندگی خدا را شناخته و بیپیماید، باید از مریدان و معلمانی که خود او به همین منظور برای بشر قرار داده، بهره‌مند شود. اینها کسانی هستند که خود در بالاترین درجات معرفت و بندگی خدا هستند و می‌توانند از دیگران هم در این مسیر دستگیری کنند. اینها اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند که بهترین مریدان بشر در خداشناسی هستند. (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷-۱۲۸) معرفت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نسبت به معرفت خداوند طریقت دارد. اگر کسی بخواهد خداشناس شود، باید امام‌شناس شود، پس وجود امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام مهمترین و ارزنده‌ترین نعمت است؛ زیرا اصل بر سایر نعمت‌های ظاهری و باطنی است (تونه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۷۳۵). به خاطر امام، خداوند شناخته شده و عبادت می‌شود و بندگان به سبب او به آنچه بخواهد از مقامات عالیه و عنایت خاصه می‌رسند (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۲).

۳-۳. وجوب شکر نعمت و مایه فراوانی نعمت

همه انسان‌ها قبول دارند که نعمت‌های فراوان مادی و معنوی در اختیار خودشان بوده و نیز همه قبول دارند که خود آنها این نعمت‌ها را به خودشان نداده‌اند، پس منعمی در کار است. (محمدی،

۱۳۷۸، ص ۲۱) لزوم شکر منعم، امری فطری و درونی است. انسان با رجوع به عقل و فطرت خود به این حقیقت پی می برد که باید در برابر هر کس که به او نعمتی عطا کرده یا خدمتی نموده، بی تفاوت نباشد و به گونه‌ای از او تشکر و قدردانی کند، وگرنه از طرف عقل خود، بازخواست شده و مذمت می شود؛ زیرا خصلت شاکر بودن در بسیاری از حیوانات به خوبی مشهود است. (جعفری، ۱۳۷۹، ص ۲۰)

پس به حکم عقل، شکر منعم لازم است و شکر منعم، بدون شناخت منعم، میسر نیست. در مرحله اول، باید صاحب اصلی نعمت‌ها و ولی نعمت را شناخت تا در مقام تشکر از او برآمد. (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۱) مرحله دوم، تشکر از کسانی است که راه رسیدن به نعمت‌های خدا را همواره کرده‌اند. تنها راه شکر نعمت‌های الهی این است که در جهت معرفت بیشتر به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده کند؛ زیرا شکر نعمت‌های الهی بدون معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امکان پذیر نیست (بنی هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۲). آیاتی از قرآن نیز بر وجوب شکر منعم دلالت دارند. «فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ؛ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاسگزارید و کفران نعمت نکنید (بقره: ۱۵۲).

یکی از فواید شکرگزاری، افزایش نعمت است که قرآن به آن تأکید کرده است. «...لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ ...اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً (نعمت) خود را بر شما می افزایم و اگر ناسپاسی کنید، بی تردید عذاب من سخت است». (ابراهیم: ۷) در کافی به سندی صحیح از حضرت ابن عبدالله صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود بر هیچ بنده‌ای دری از شکر نگشوده که درب فزونی از او بسته باشد» (کلینی، ۱۴۲۹، ۲/۹۴).

اگر کسی بخواهد بهره بیشتری از نعمت‌های الهی ببرد، باید شکرگزار او باشد. امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف در حدیثی می فرماید: «همانا دعا کردن برای برادر مؤمن، خودش در پشت سر او مستجاب است و موجب زیادی رزق و دفع بلاست». (کلینی، ۱۴۲۹، ۴/۳۸۵) وجود حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف از مهمترین نعمت‌های الهی بر انسان است و شناخت این نعمت، خود نعمت بزرگی است، بلکه نعمتی است که هیچ نعمتی با آن مقایسه نمی شود؛ زیرا جزء تکمیل کننده ایمان و علت تامه آن

است. تمام نعمت‌های ظاهری و باطنی از شاخه‌های این نعمت بزرگ، یعنی وجود امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّالِفِينَ است، پس بر انسان واجب است که بیشترین کوشش را در ادای شکر این نعمت به کار بندد تا به نعمت‌های بزرگ دیگر هم برسد. خداوند عزوجل وعده داده که هر کس شکر نعمت به جا آورد، نعمتش افزون کند و وعده الهی تخلف‌ناپذیر است (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۶).

۳-۱-۱. اقسام شکر

اول) شکر قلبی

شکر قلبی در حق خداوند این است که بداند جز خداوند، نعمت‌دهنده‌ای نیست و هر نعمت‌دهنده‌ای غیر از خدا، واسطه در نعمت‌های الهی است و خود، دریافت‌کننده نعمت از جانب اوست. (بحرانی، ۱۴۱۷، ص ۳۸۶) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد شکر قلبی می‌فرماید: «کسی که خدا به او نعمتی دهد، پس معرفت قلبی به آن نعمت پیدا کند و اعتقاد داشته باشد که آن کسی که نعمت را به او داده، خدای متعال است، شکر خدا را به جا آورده است، هر چند زبانش را حرکت ندهد» (کلینی، ۱۳۶۹، ۱/۱۵۱). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در این حدیث، اهمیت این فعل قلبی را نشان داده است. هر چند عقل حکم می‌کند که شکر باید هم قلبی و هم زبانی باشد، ولی خداوند به فضل و لطف خود، همان فعل قلبی را کافی دانسته و برای شکر پذیرفته است. علت این است که مراتب شکر، از اظهار قلبی آغاز می‌شود و اقرار به نعمت‌ها، انسان را به مراحل بعدی شکر هدایت می‌کند. اظهار قلبی، روح و پایه مراحل بعدی، یعنی شکر زبانی و عملی و به منزله رأس آنهاست. این روح، باید در همه مراتب دیگر شکر جریان یابد. مراحل بعدی، هر یک به نوعی اظهار این حالت قلبی است و اصل شکر، همین فعل قلبی است.

دوم) شکر زبانی

وقتی قلب انسان، از شکر منعم سرشار می‌شود، سرچشمه‌های شکر، از قلب به زبانش جاری می‌شود. شکر زبانی، مصداق‌های مختلفی دارد. یکی از آنها دعای خیر کردن برای منعم است، یعنی اگر انسان نمی‌تواند کار خوب کسی را جبران کند، باید دست به دعا برداشته و از خدا بخواهد که به او پاداش خیر عطا کند. (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۴۶)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «مَنْ آتَاكُمْ مَعْرُوفًا فَكَاؤُفُوهُ. وَإِنْ لَمْ تَجِدُوا مَا تُكَاؤُونَهُ فَادْعُوا اللَّهَ لَهُ حَتَّى تَطْتَبُوا أَنْتُمْ قَدْ كَافَيْتُمُوهُ؛ هر کس کار خوبی برای شما انجام داد، آن را برایش تلافی کنید و اگر نتوانستید به طریقی آن را تلافی کنید، در حق او به پیشگاه خداوند دعا کنید، تا وقتی یقین کنید که کار خوب او را تلافی کرده اید». (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲، ص ۳۱) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر وجوب دعا برای منعم تأکید کرده، ولی کم و کیف آن را به عهده منعم گذشته اند تا هر کس به میزان معرفتش، ولی نعمت خود را دعا کند (بنی هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۱).

سوم) شکر عملی

حقیقت شکر، از قلب آغاز می شود. هر چند که خدای متعال از روی فضل خود، اظهار قلبی را برای شکر می پذیرد، ولی بندگان وظیفه شناس، خدا را با زبانشان نیز شکر می گویند و با عمل نشان می دهند. در شکر عملی، انسان هر یک از نعمت های الهی را در مسیر رضای منعم استفاده می کند. بر این اساس، دعا کردن برای امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى موجب زیاد شدن نعمت است؛ زیرا امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى مهم ترین نعمت نزد انسان است و شکرگزاری در برابر این نعمت بزرگ، واجب است. انسانی که خود را مدیون امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى می داند، وظیفه خود می داند که برای تعجیل فرج حضرت خالصانه دعا کند. دعا کردن یکی از اقسام شکر نعمت است.

خداوند متعال وعده داده که هر کس شکر نعمت به جا آورد، نعمت را برایش افزون می کند. دعا کردن مؤمن برای برادر مؤمن خودش، موجب زبادی رزق می شود. همچنین دعا کردن برای امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى که رئیس مؤمنین است، موجب افزایش نعمت می شود. (حجتی ابردهی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۱)

۳-۴. انجام محبوب ترین عبادت

یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت امام عصر عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى دعا برای آن حضرت است. دعا برای امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى محبوب ترین عبادت است.

۳-۴-۱. حقیقت عبادت

عبادت، از ریشه عبد و عبودیت به معنای اظهار فروتنی و خضوع و به معنای نهایت فروتنی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ذیل واژه عبد) در اصطلاح به معنای اظهار و خضوع و کوچکی عملی یا

لفظی، اما نه هر نوع خضوع، بلکه بالاترین مرتبه اظهار کوچکی و تعظیم در برابر کسی که بالاترین درجه فضیلت را دارد (بنی هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹؛ بادشستی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۱). حقیقت عبادت این است که انسان خود را بنده و مملوک خدا بداند، برای خود مالکیتی در نظر نگیرد، بلکه خود و دارایی خود را از آن خدا بداند. به طور کامل تسلیم اراده او باشد، به عبد بودن خود در مقابل پروردگار اعتراف کند و از روی اختیار، بندگی تکوینی خود را در مقابل خدا اظهار بدارد. به عبارت دیگر، در برابر خدا اظهار کند که تو خدای منی و من بنده توام، تو عزیزی و من ذلیل، تو مالکی و من مملوکم، تو ربی و من مربوبم (یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۰).

۳-۴-۲. ارتباط دعا و عبادت

دعا و تضرع به درگاه خداوند، یکی از نشانه‌های عبودیت بندگان است. دعا، برقراری پیوند قطع ناشدنی بنده با خداوند است. انسان در حال دعا، با باطن و ضمیر خود متوجه آفریننده و مبدأ نقطه‌ای که از آنجا آمده، می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۴، ۴۰۶/۳) اگرچه دعا در ظاهر درخواست رفع نیازهای مادی و معنوی است، ولی در واقع، اعتراف به بندگی، فقر و عجز انسان است. دعا امری قلبی است و زبان فقط از آنچه در دل است، حکایت می‌کند. پس دعا چیزی جز عبادت نیست، بلکه بالاترین عبادت است (یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۲). دعا مطلوب حق است که بندگان از این طریق، خشوع و فقر خود را ابراز می‌کنند (ابن فهد حلی، ۱۳۷۵، ص ۴۳).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ؛ دعا مغز عبادات است» (مجلسی، ۱۴۰۷، ۳۰۳/۹۰). عبودیت، چون غایت آفرینش و نهایت و قله رشد و بلوغ انسان هاست، با مغزافزار دعا شکل گرفته و تجلی می‌کند. پس نماد عبودیت و بلوغ می‌شود (صالح‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲). دعا برای امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَجَلُّاهُ محبوب‌ترین عبادت است.

۴. دلایل دعا کردن

۴-۱. دلیل عقلی برای دعا کردن

حقیقت انتظار فرج آن است که انسان منتظر و چشم به راه، محیطش را برای آمدن منتظر و منجی موعود آماده کند. این آمادگی، بسته به فرد مورد انتظار، معنا و ارزش می‌یابد. اگر کسی به حقیقت، منتظر محبوب خود باشد، پیوسته در اندیشه او خواهد بود. منتظر واقعی، سعی می‌کند در همه حال، به یاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و با یاد آن بزرگوار، دل و جان خود را زنده نگه دارد و اعمال خود را از انحراف و کجی‌ها حفظ کند. یاد آن حضرت، با خواندن دعا برای او تحقق می‌یابد. (جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸، ص ۳۵) استفاده از دعا، بهترین راه پوشاندن مقاصد عالیه پیشوایان انسان است؛ زیرا مشروع‌ترین راه برای نزدیکی به خدا که هیچ کس نمی‌توانسته مانع آن بشود و آن را تحت نظر گیرد و از آن جلوگیری کند، همین دعا بوده است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵). بنابراین، هنگامی که بنده مؤمن برای امام عصرش دعا کرده و این کار را خالصانه انجام دهد، مولانش نیز در پاداش او، دعای خالص برای او خواهد کرد. بدیهی است که دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شخص، کلید تمام خیرات و خوبی‌ها و نابودکننده همه بدی‌هاست. (مجتهدی، ۱۳۸۸، ص ۵۷) پس دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف موجب توفیق الهی در بندگی و عبادت او خواهد شد و خدا او را از دوستان خود قرار خواهد داد.

۴-۲. دلیل نقلی برای دعا کردن

راز و رمز موفقیت هر انسانی در میزان عبادت و بندگی او نهفته است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدیم». (ذاریات: ۵۶) تنها راه رسیدن به کمال و مقامات عالیه انسانی، کسب مراحل والای عبادت و معرفت است (بهرامی، ۱۳۸۵، ص ۴۱). از جمله امور عبادی که سفارش زیادی درباره آن شد، دعا و نیایش است. بنده در حال دعا کردن، ناداری و ناچیزی خود را در برابر معبودش بهتر از حالات دیگر بیان می‌کند و آنگاه که خدای خود را می‌خواند، با تمام وجود احتیاج خود را به خالقش اظهار می‌دارد. او در



هنگام دعا، هیچ تکیه‌گاه و پناهگاهی جز پروردگار برای خود نمی‌شناسد و به همین انگیزه، دست نیاز به درگاه بی‌نیاز بلند می‌کند. (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹)

دعا، بهترین و محکم‌ترین گفتار بین خالق و مخلوق است؛ زیرا نشانگر عجز و عبودیت انسان به خداوند است و عبودیت منشأ همه کمالات و رسیدن انسان به هدف غایی خلقت، همان لقای الهی است. (رضوانی (ب)، ۱۳۸۸، ص ۳۹۵) امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «احبّ الاعمال الی الله فی الارض الدعاء؛ محبوب‌ترین کارها در روی زمین در نزد خداوند متعال، دعاست (ابن فهد حلی، ۱۳۷۵، ص ۶۰). احب، بالاتر از افضل است. افضل برای کسانی است که به دنبال ثواب هستند، ولی احب از باب محبت، برای کسانی است که با محبت خدا کار دارند، نه با ثواب او. دنبال جلب محبت خداوند هستند. علاوه بر آن، انسان در گفت‌وگو با خداوند تخلیه شده و اوصاف الهی در انسان تجلی پیدا می‌کند (فرحزاد، ۱۳۹۳، ص ۲۶). دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث خوشحال کردن ایشان می‌شود و این امر موجب خوشحالی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خوشنودی خداوند متعال است (نعمتی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۸).

شکی نیست که یکی از بهترین، بزرگ‌ترین و ارزش‌مندترین دعاها برای انسان، دعا برای کسی است که خداوند، حق او را و دعا کردن برای او را بر تمام انسان‌ها واجب کرده و نعمت‌های الهی به برکت آن حضرت بر تمام آفریدگانش سرازیر می‌شود. (مجتهدی، ۱۳۸۸، ص ۵۵) وقتی که انتظار فرج، والاترین نوع عبادت باشد، دعا برای فرج نیز زیباترین جلوه انتظار بوده و اصل دعا گرامی‌ترین و محبوب‌ترین چیزها نزد خداوند است (اسحاق، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶).

۵. رستگاری در قیامت با شفاعت

شفاعت، از ماده ش-ف-ع بوده و به معنای منضم کردن چیزی به چیزی دیگر است. (قرشی، ۱۴۱۲، ۴۸/۴) و زوج و جفت است در مقابل وتر (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۶، ذیل واژه شفع). شفاعت در اصطلاح، یعنی شخصی از کسی که بالاتر از اوست، خیر و نیکی را برای پایین‌تر از خودش درخواست کند یا اسقاط عقوبت یا زیاد شدن ثواب را طلب کند (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷). براساس دیدگاه علامه طباطبایی، شفاعت در اصطلاح به این معناست که شخصی که متوسل به شفیع

می‌شود، نیروی خودش به تنهایی برای رسیدن به هدف کافی نیست. بنابراین، نیروی خود را با نیروی شفیع گره زده و در نتیجه آن را دو چندان کرده به آنچه می‌خواهد، می‌رسد به طوری که اگر این کار را نمی‌کرد و تنها نیروی خود را به کار می‌برد، به مقصود خود نمی‌رسید؛ زیرا نیروی خودش به تنهایی ناقص، ضعیف و کوتاه بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱/۲۳۸).

علامه طباطبایی برای اثبات شفاعت می‌فرماید: «برهان عقلی، مراتب کمال وجودی را مختلف می‌داند. بعضی را ناقص، بعضی را کامل، بعضی را شدید و بعضی را ضعیف. در اصطلاح علمی، این شدت و ضعف را تشکیک می‌گویند. مانند نور که قابل تشکیک است. نفوس بشری هم از نظر قرب و بعد، از مبدأ و منتهای کمال، یعنی خداوند، مراتب مختلفی دارند. بعضی از نفوس در سیر تکاملی خود به سوی آن مبدأ که از آنجا آمده‌اند، بسیار پیش می‌روند و بعضی دیگر کمتر. این تفاوت در وسایط فیض و علل فاعلی را در اصطلاح فلسفی فاعل مابه‌الوجود می‌گویند، یعنی فاعلی که منشأ اصل وجود شیء نیست، بلکه باعث تغییر حالت شیء بوده و باعث می‌شود که نفوس کامله‌ای مانند نفوس انبیاء به خصوص کامل‌ترین آنها، یعنی نفس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بین مبدأ فیض و علت‌های مادرون واسطه شوند تا حالت شقاوتی که برخلاف طبع در نفوس ضعیف افراد با ایمان به وجود آمده است از بین برود و این شفاعت است، البته شفاعتی که مخصوص گناهکاران است»؛ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱/۲۷۹) «در شفاعتی که اثبات شد، شفیع، نفوس کامله و انبیا هستند، اما شفیع واقعی خداوند متعال است؛ زیرا هر یک از صفات او بین او و خلق او در افاضه وجود واسطه هستند. پس شفیع علی‌الاطلاق اوست و غیر خداوند، هر کس به مقام شفاعت برسد، به اذن خداوند و تملیک اوست و شفاعت نزد خدا در صورتی که محذوری که با مقام کبریایی حق متناسب نباشد، به دنبال نداشته باشد، صحیح است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱/۲۴۴).

برای تحقق مفهوم شفاعت، سه عنصر ضروری است. یکی شفیع، یعنی کسی که شفاعت می‌کند. دیگری مشفوع له، یعنی کسی که برای وی درخواست شفاعت می‌شود و مشفوع لیه، یعنی کسی که از او درخواست شفاعت می‌شود. اما شفیعانی که در روز قیامت شفاعت می‌کنند عبارتند از خداوند متعال، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام، ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، عالمان دین، انبیا،

شهیدان راه خدا، ملائکه، روزه، توسل به رسول خدا ﷺ، درود فرستادن بر محمد و آل او، متعلمان و حافظان قرآن که به آن عمل می‌کنند، قرآن، خویشاوندان، همسایگان و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در مورد شفاعت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در کمال الدین از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده که فرمودند: «هر کس به امامت پدران و فرزندانم اقرار داشته باشد، ولی مهدی از فرزندان مرا انکار کند، مانند آن است که به همه انبیا اقرار اعتقاد داشته باشد و محمد صلى الله عليه وآله را انکار کند». (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۳۸۸/۲)

سر اختصاص شفاعت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که کسی از شافعان در حق منکر صاحب الامر شفاعت نمی‌کند، هر چند به کسانی که پیش از آن حضرت بوده‌اند، اعتقاد و اقرار داشته باشند. برای رستگاری در روز قیامت لازم است رابطه‌ای میان شفاعت‌کننده و شفاعت‌شونده در دنیا بوده باشد. محبت، از مهمترین راه‌های پیوند میان افراد است. منتظران واقعی کسانی هستند که عالی‌ترین پیوند عاطفی را با امام منتظر دارند و محبت به آن عزیز را بر همه محبت‌ها مقدم می‌دارند. یکی از نشانه‌های محبت در زبان، دعا کردن و خواستن تمام خوبی‌ها برای محبوب است. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ۴۳۱/۱) این محبت، انسان را به محبوب نزدیک‌تر کرده و موجب افزایش محبت و اشتیاق فرد نسبت به آن حضرت می‌شود (رسولی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰). خداوند به وساطت و شفاعت شفیعیان در روز قیامت، افرادی را از آتش جهنم نجات می‌دهد و آنها کسانی هستند که به خداوند متعال ایمان دارند، نه افرادی که در اثر گناه، ایمان از آنها گرفته شده است. خداوند می‌فرماید: «... لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى؛ ... جز برای کسی که خدا بپسندد شفاعت نمی‌کنند». (انبیاء: ۲۸) ایمان، جز محبت خدا و رسول و ولی او نیست. با وجود این، لازم است آنچه در دل معتقد است به زبان آورد، وگرنه آثار ایمان بر آن مترتب نخواهد شد. دعا کردن برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نشانگر حقیقت ایمان و مایه جلب عنایت و محبت اوست.

در حدیثی از حضرت ابی عبدالله صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف در مورد کسی که شفاعت می‌شود آمده که فرمودند: «به درستی که مؤمن از شما در روز قیامت، مردی را که در دنیا با او آشنا بوده، کنارش می‌گذارند در حالی که امر شده که به آتشش ببرند. فرشته او را می‌برد و او به این مؤمن می‌گوید به فریادم برس که در دنیا به تونیک می‌کردم و در حوائجی که به من رجوع می‌کردی یاریت می‌نمودم، آیا امروز پاداشی

برای من داری؟ پس مؤمن به فرشته می‌گوید او را رها کن. امام صادق علیه السلام فرمودند پس خداوند سخن مؤمن را می‌شنود و به آن فرشته امر می‌کند که فرمان مؤمن را بپذیرد و آن شخص را آزاد می‌کند». (مجلسی، ۱۴۰۷، ۴۱/۸) وقتی وضع مؤمن با کسی که رابطه جزئی با او دارد چنین باشد، بدون تردید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در حق کسی که پیوسته برای آن حضرت دعا کند، شفاعت کرده و او را روز قیامت در عذاب رها نمی‌کند؛ زیرا دعا، از روابط مهم و ریسمان‌های محکم است که نشانه محبت و مایه مسرت و از اقسام یاری و انواع خدمت به آن حضرت است. (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۵).

۶. نتیجه‌گیری

دعا به معنای مایل کردن چیزی به سوی خود با صدا و کلام است و در اصطلاح، انجام کاری از مدعو است که به صورت جمله امر یا نهی و گاه به صورت جمله خبری می‌آید. حقیقت دعا، ارتباط با منشأ هستی و پیوند انسان با خدای یکتا برای اظهار بندگی است. دعا برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، موجب فرج خود حضرت و شیعیان اوست؛ زیرا فرج حضرت، مشروط به دعای شیعیان اوست و فرج و گشایش کار شیعیان با دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حاصل می‌شود. دعا، باعث زیاد شدن نعمت است. دعا کردن یکی از اقسام شکر نعمت است و خود امام، بزرگترین نعمت خداوند است که به انسان داده و انسان موظف است که در برابر این نعمت بزرگ شکرگزاری کند و خداوند به خاطر دعای انسان برای حضرت، نعمت را بر او افزایش دهد. دعا برای محبوب‌ترین مخلوق خداوند، زیباترین جلوه انتظار فرج است که با این دعا، دل و جان خود را زنده نگه داشته و اعمال خود را از انحراف و کجی‌ها حفظ کند. کسی که دعا می‌کند، مشمول شفاعت و رستگاری در روز قیامت است؛ زیرا شفاعت شامل کسانی است که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان داشته و منکر او نیستند. ایمان در حقیقت جز محبت خداوند، رسول و ولی نعمت او نیست. یکی از نشانه‌های محبت در زبان، دعا کردن است و این باعث جلب و عنایت و محبت حضرت می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۳). مترجم: انصاریان، حسین. قم، اسوه.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمه. تهران: اسلامیه.
 ۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۳. ابن ههد حلّی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). آیین بندگی و نیایش. قم: بنیاد معارف اسلامی.
 ۴. اسحاق، حسین (۱۳۸۶). سپیده امید کاوشی مهدویت. قم: بوستان کتاب.
 ۵. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل نقش دعا در تعجیل بخشی ظهور. پژوهش های مهدوی. شماره ۲۰. صص ۵-۲۲.
 ۶. بحرانی، ابن میثم (۱۴۱۷). ترجمه نهج البلاغه. بی جا: مجمع البحوث الاسلامیه.
 ۷. بداشتی، علی الله (۱۳۹۲). توحید و صفات الهی درس نامه کلام تخصصی. قم: انتشارات دانشگاه قم.
 ۸. بنی هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱). آب گوارا، پژوهشی درباره معرفت، غیبت، غربت، شکر نعمت، انتظار فرج و دعا در حق امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف. تهران: منیر.
 ۹. بنی هاشمی، محمد (۱۳۹۱). آفتاب در غربت. تهران: منیر.
 ۱۰. بهرامی، غلامرضا (۱۳۸۵). دعا در زندگی. قم: دلیل ما.
 ۱۱. تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۹). موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. غیبت، انتظار، ظهور و...
قم: مشهور.
 ۱۲. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت (۱۳۸۸). آفتاب مهر، پرسش ها و پاسخ های مهدوی. قم: بنیاد فرهنگ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
 ۱۳. حجتی ابردهی، عباس (۱۳۷۴). خورشید کعبه. بی تا: کتابخانه صدر همکاری مؤسسه خیریه قیام الصلحی.
 ۱۴. داوودی، رشید (۱۳۹۰). بررسی نقش دعا در فرهنگ انتظار. راه تربیت، شماره ۱۵. صص ۱۱۹ تا ۱۴۴.
 ۱۵. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). مفردات الفاظ القرآن. تحقیق: داوودی، صفوان عدنان. دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدارالشامیه.
 ۱۶. رسولی، رضوی (۱۳۸۴). امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
 ۱۷. رضوانی (الف)، علی اصغر (۱۳۸۸). غیبت کبری. قم: مسجد مقدس جمکران.
 ۱۸. رضوانی (ب)، علی اصغر (۱۳۸۸). دین شناسی از دیدگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. قم: دلیل ما.
 ۱۹. صالح نیا، یحیی (۱۳۹۱). تنها بر فراز درسامه پژوهشی مهدویت. بی جا: اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان.
 ۲۰. صدر، محمد (۱۳۸۲). تاریخ غیبت کبری. تهران: معارف.
 ۲۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۲۲. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). الاحتجاج. مشهد: نشر مرتضی.
 ۲۳. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۲۴. فرحزاد، حبیب الله (۱۳۹۳). دعا و اسرار اجابت. بی جا: عطش.
 ۲۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 ۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). کافی. قم: دار الحدیث.

۲۷. کریمی، جعفر، و فرقانی، قدرت الله (۱۳۷۹). توحید از دیدگاه عقل و نقل. تهران: مرکز آموزش های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). أصول الكافي. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه.
۲۹. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲). الزهد. قم: المطبعة العلمية.
۳۰. مجتهدی، مرتضی (۱۳۸۸). صحیفه مهديه. قم: نشر الماس.
۳۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۷). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الطهار عليهم السلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. محمدی، علی (۱۳۷۸). شرح کشف المراد. بی جا: دار الفکر.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: صدا.
۳۴. ملکی، علی (۱۳۹۲). نگرشی نو به تأثیر دعا در سرنوشت. قم: بوستان کتاب.
۳۵. موسوی اصفهانی، محمد تقی (۱۳۸۰). مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم. بی جا: برگ شقایق.
۳۶. نعمتی، علی رضا (۱۳۸۴). راهی به سوی نور. قم: خورشید کعبه.
۳۷. وحید، نوری (۱۳۸۷). شکر نعمت امام عليه السلام. ماهانه موعود، شماره ۹۰. صص ۱۶-۲۰.
۳۸. یزدی، مصباح (۱۳۸۲). بردرگاه دوست. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

